

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۰۸

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۹۸

بررسی گزارشات چالش برانگیز کتاب سلیم بن قیس هلالی

پیرامون حضرت مهدی عَجَلَاللهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيف

سید محمد سلطانی^۱

سید حسین فلاح زاده^۲

چکیده

کتاب سلیم بن قیس هلالی از قدیمی ترین کتب برجای مانده از صدر اسلام است. این کتاب عمدتاً به بیان حوادث پس از رحلت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ظلم های وارده بر خاندان رسالت پرداخته است. علی رغم اهمیت مسئله مهدویت و نیز گزارشات ضد و نقیضی که در این کتاب در رابطه با این موضوع وجود دارد، اما این مسئله از جمله مواردی است که تاکنون مورد توجه پژوهش گران نبوده است. مصداق یابی «مهدی موعود عَجَلَاللهُ تَعَالَى» در کتاب سلیم با چالشی جدی مواجه است، زیرا تناقضات چندی در روایات مهدوی کتاب سلیم وجود دارد. در این نوشتار نشان داده شد که در کتاب سلیم، تنها بنی امیه چهره ای منفی دارند و هیچ یک از امامان ضلالتی که در این کتاب معرفی شده اند، از بنی العباس نیستند! بنابراین روایات این کتاب، مهدی موعود عَجَلَاللهُ تَعَالَى حکومت را از بنی امیه خواهد گرفت و آن را به صاحبان اصلیش باز خواهد گرداند. در مجموع به نظر می رسد نویسنده این کتاب - یا

۱. پژوهشگر تاریخ اسلام مرکز تخصصی ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام، دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم عَلَيْهِ السَّلَام قم (نویسنده مسئول) (s.mohammad.soltani@gmail.com).

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم عَلَيْهِ السَّلَام قم.

بخش‌هایی از آن- به احتمال زیاد، در دوره پایانی حکومت بنی‌امیه زندگی می‌کرده و در نتیجه امامان جور را فقط در میان آنان - و سه خلیفه نخستین- جستجو نموده و انتظار برچیده شدن این حکومت توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را داشته است. اشکالات متعددی بر کتاب سلیم وارد است که مانع از قبول همه مطالب کتاب به طور مطلق است و حتی انتساب همه گزارشات موجود در کتاب به سلیم بن قیس و یا ابان بن ابی عیاش با اشکال مواجه خواهد بود.

واژگان کلیدی

کتاب سلیم بن قیس، چالش‌های مهدویت، تطبیقات ناروا، دوازده امام، بنی‌امیه، بنی‌العباس.

مقدمه

کتاب سلیم بن قیس هلالی از قدیمی‌ترین کتب برجای مانده از صدر اسلام است. این کتاب عمدتاً به بیان حوادث پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ظلم‌های وارده بر خاندان رسالت پرداخته است. علیرغم اهمیت مسئله مهدویت و مصداق‌یابی «مهدی موعود» و نیز گزارشات ضدّ و نقیضی که در این کتاب در رابطه با این موضوع وجود دارد، اما این مسئله از جمله مواردی است که تاکنون مورد توجه پژوهش‌گران نبوده است. در این نوشتار پس از معرفی سلیم بن قیس هلالی و کتاب او، به بررسی گزارشات چالش‌برانگیز این کتاب پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته و انتساب این موارد به سلیم بن قیس بررسی خواهد شد.

معرفی سلیم بن قیس هلالی و کتاب او

معرفی سلیم بن قیس هلالی

بنابر اطلاعاتی که عمدتاً از طریق خود کتاب سلیم در اختیار ماست، سلیم بن قیس هلالی دو سال قبل از هجرت به دنیا آمده است،^۱ اما به سبب عدم درک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در زمره تابعین به شمار می‌رود. شواهدی چون عدم نقل مستقیم ماجرای سقیفه و نقل مکرر از سلمان (که در سال ۱۶ق به مدائن رفته و دیگر برنگشت) نشان می‌دهد که او در اوایل حکومت عمر بن خطاب به مدینه آمده است.^۲ سلیم با امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحاب خاص او مانند سلمان، ابوذر

۱. این مطلب بر اساس حدیث ۳۴م کتاب سلیم است که از ۴۰ ساله بودن سلیم در جنگ صفین (۳۸ق) خبر داده است. (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ش: ج ۲، ۳۳۴، ح ۲۴)

۲. انصاری زنجانی شواهد این امر را ارائه داده است. (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ش: ج ۱، ۲۷۶، مقدمه محقق)

و مقدار آشنا شد و با آنان انس و الفت یافت و اطلاعات زیادی از آنان درباره وقایع بعد از رحلت رسول خدا ﷺ گردآوری نمود. او هم چنین شاهد رویدادهایی چون جریمه شدن والیان عمر به پرداخت نصف دارایی‌هایشان و معاف شدن قنقذ به سبب نقش او در شهادت حضرت زهرا ؑ، مریض شدن ابوذر و عیادت عمر از او بود. (حدیث ۱۳ و ۱۹)

سلیم در دوران حکومت عثمان (۲۳-۳۵ق) نیز شاهد رخداد‌های زیادی بود که بسیاری از آن‌ها در کتابش منعکس شده است؛ برخی از این رخدادها عبارتند از: سخنان شفاف و بدون تقیه امیرالمؤمنین ؑ در جمع صحابه و تابعین در مسجد رسول خدا ﷺ درباره حقانیت خویش، خطبه ابوذر در کنار کعبه، تبعید شدن ابوذر به ربه در سال ۳۴ق و عیادت سلیم از او. (حدیث ۱۱، ۷۵ و ۲۰)

در سال ۳۵ق صحابه که از رفتار و اعمال ناپسند عثمان و کارگزارانش به ستوه آمده بودند، خانه او را محاصره و سرانجام او را به قتل رساندند. آنان فردی شایسته خلافت جز امیرالمؤمنین ؑ نیافتند و همگی با ایشان بیعت نمودند. به حکومت رسیدن امیرالمؤمنین ؑ نقطه آغاز بازگشت به سنت رسول خدا ﷺ گردید و سلیم افتخار تاریخ‌نگاری این دوران طلایی را مغتنم شمرد. سلیم در جنگ‌های تحمیل شده به آن حضرت توسط ناکثین و مارقین و قاسطین، در زمره شرطة الخمیس و از جان‌فدایان ویژه امیرالمؤمنین ؑ بود (کشی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۱۰۴) و بعدها به ثبت این وقایع و جزئیات آن‌ها پرداخت. (حدیث ۱۶، ۵۶، ۶۷، ۲۸، ۲۹ و غیره) او از نزدیکان امیرالمؤمنین ؑ به شمار می‌رفت و برای نمونه در ذی‌قار در خیمه آن حضرت حضور داشت و پیش‌گویی امیرالمؤمنین ؑ از تعداد افرادی که از کوفه برای کمک خواهند آمد را گزارش نمود. (حدیث ۳۰)

در سال ۴۰ هجری یکی از بزرگ‌ترین مصیبت‌های تاریخ بر جامعه اسلامی وارد آمد و امام متقیان ؑ به شهادت رسید. سلیم در زمان این واقعه در کوفه و در خانه امیرالمؤمنین ؑ بود و وصیت آن حضرت در آخرین لحظات زندگی را به طور کامل در کتاب خویش ثبت نمود. (حدیث ۶۹) در این سال امام حسن ؑ سرپرستی شیعیان را عهده‌دار شد و سلیم در خدمت آن حضرت بود. سلیم در زمان آمدن معاویه به کوفه و نوشته شدن صلح‌نامه بین امام حسن ؑ و معاویه حضور داشت و خطبه امام حسن ؑ پس از صلح را نقل نموده و در ایام حکومت معاویه نیز به ثبت نکات مهمی چون نامه معاویه به حاکم کوفه (زیاد) و رخداد‌های میان معاویه و مردم مدینه (خصوصاً قیس بن سعد بن عباده) پرداخت. (حدیث ۷۶، ۲۳ و ۲۶)

سلیم پس از شهادت امام حسن علیه السلام، ولایت امام حسین علیه السلام را پذیرفت و از این دوران، خطبه امام حسین علیه السلام در منا که در حضور ۷۰۰ نفر از بزرگان صحابه و تابعین ایراد شد را نقل نموده است. (حدیث ۲۶) او در واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری حضور ندارد که البته این امر را می‌توان با احتمال زندانی شدن او توسط عبیدالله بن زیاد موجه دانست؛ همان‌طور که افراد زیادی چون مختار ثقفی نیز به همین سبب از دفاع از امام حسین علیه السلام در عاشورا محروم گردیدند. سلیم بن قیس از وقایع حکومت عبدالله بن زبیر در حجاز و نیز ماجرای خون‌خواهی و قیام مختارگزارشی ارائه نداده است که شاید سبب آن عدم حضور او در این ماجراها و اقامت او در کوفه باشد.

در سال ۷۵ ق با ورود حجاج بن یوسف ثقفی به کوفه و به قتل رساندن و شکنجه بسیاری از اصحاب و شیعیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام، سلیم بن قیس متواری شده و به شهر نوبندگان در اطراف شیراز رفت و پس از آشنایی با ابان بن ابی عیاش و سپردن کتابش به او، در سال ۷۶ ق جان سپرد. (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ ش: ج ۲، ۵۵۷)

انتقال کتاب سلیم به ابان بن ابی عیاش

گفتارهای شفاهی سلیم با ابان و مضامین کتابش با عقاید رایج مردم آن زمان ناسازگار بود؛ این امر ابان را بر آن داشت تا با سفر به عراق و حجاز به تحقیق بیشتری بپردازد. ابان ابتدا به بصره آمد و در آنجا با حسن بصری - که او نیز از حجاج متواری بود - آشنا شد. ابان کتاب سلیم را به حسن بصری عرضه نمود و او نیز مطالب کتاب را تأیید کرد. ابان سپس به حج رفت و از مشاهیری چون حنش بن معتمر، سعید بن مسیب، علقمة بن قیس، ابوظبیبان جبنی و عبدالرحمان بن ابی لیلی اخذ حدیث نمود. سپس با امام سجاد علیه السلام و ابوالطفیل عامر بن واثله کنانی و ابن ابی سلمه - دو صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله - ملاقات نمود. ابان کل کتاب را در مدت سه روز بر این سه تن عرضه کرد و آن‌ها مطالب کتاب را تأیید نمودند. (همو: ۵۵۷-۵۶۴) ابان بن ابی عیاش بصری از اصحاب امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام برشمرده شده (شوشتری، ۱۴۱۰ ق: ج ۱، ۹۳) و وفات او در سال ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۸ و یا بعد از ۱۴۰ ق گزارش شده است. (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ ش: ج ۱، ۲۱۵)

بیشتر عالمان متقدم شیعه او را موثق ندانسته‌اند. شیخ طوسی او را تضعیف نموده و ابن غضائری از برخی از اصحابش نقل نموده که او جعل‌کننده کتاب سلیم است و همین امر سبب توقف علامه حلی در روایات او بوده است. ظاهر تعبیر شیخ مفید درباره روایتی از کتاب سلیم که

شیخ صدوق به آن استدلال نموده نیز حکایت از تضعیف ابان بن ابی عیاش دارد. (شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ۹۳) در میان عالمان متأخر شیعه، برخی چون آیه الله خویی (خویی، بی تا: ج ۱، ۱۲۹؛ ج ۹، ۲۳۵-۲۳۷) شواهد ضعف او را قبول نموده‌اند، اما بسیاری دیگر هم چون سید محسن امین (امین، ۱۴۰۶ق: ج ۲، ۱۰۳)، صفایی خوانساری (صفایی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۳۰)، محدث نوری (نوری، ۱۴۱۷ق: ج ۷، ۱۱) و علامه مامقانی (مامقانی، ۱۴۲۶ق: ج ۳، ۶۸) با استناد به اعتماد عالمان متقدم بر کتاب سلیم، ضعف کتاب ابن غضائری و تأثیر تضعیفات اهل سنت در تضعیف ابان توسط شیعیان، حکم به وثاقت او نموده‌اند.

انتقال کتاب سلیم به عمر بن اذینه و نسل‌های بعد

در سال ۱۳۸ق ابان در عالم رؤیا سلیم را می‌بیند که از او می‌خواهد کتابش را به مردی شیعه و قابل اعتماد بسپارد چراکه وفاتش نزدیک است. ابان نیز کسی جز عمر بن اذینه که از اصحاب بزرگ امام صادق علیه السلام و هم‌قبیله او بود^۱ را شایسته این مأموریت نیافت. ابان پس از سپردن کتاب به ابن اذینه از دنیا رفت و عمر بن اذینه عهده‌دار نشر کتاب گردید. (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ش: ج ۲، ۵۵۷)

انتقال کتاب سلیم به عمر بن اذینه، آن را وارد مرحله جدیدی نمود. عمر بن اذینه از جایگاه حدیثی خوبی در میان شیعیان برخوردار بود و حداقل شش نفر از محدثین بزرگ، به اخذ این کتاب از او اهتمام گماشتند. این افراد عبارتند از: محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ق)، حماد بن عیسی (م ۲۰۸ یا ۲۰۹ق)، عثمان بن عیسی (از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیه السلام)، معمر بن راشد (۹۶-۱۵۴ق)، ابراهیم بن عمر یمانی (از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام)، عبدالرزاق بن همام صنعانی (۱۲۶-۲۱۱ق).

مهدی موعود در کتاب سلیم

ویژگی‌های معرفی شده برای شخصیت منجی مهدی موعود علیه السلام در کتاب سلیم، از دیرباز یکی از مسائل چالشی در این کتاب بوده است. علاوه بر دلالت برخی روایات این کتاب به اینکه امام زمان علیه السلام سیزدهمین امام خواهد بود، زمان ظهور ایشان مصادف با پایان یافتن حکومت بنی‌امیه دانسته شده است! نکات دیگری نیز که مرتبط با این بحث است نیز در این کتاب دیده می‌شود که در ادامه به بررسی همه این موارد پرداخته شده است.

۱. ابان با ورود به عراق به قبیله بنی عبدالقیس پیوست و از موالی ایشان گردید؛ عمر بن اذینه نیز از افراد این قبیله بود.

روایت امامان سیزده گانه

یکی از اشکالات ابن غضائری به کتاب سلیم، وجود روایتی است که تعداد ائمه را ۱۳ نفر برشمرده است. (ابن الغضائری، ۱۳۶۴ ش: ۶۳) مرحوم نجاشی در شرح حال هبة الله بن احمد بن محمد کاتب که از معاصرین نجاشی و زیدی مسلک بوده می نویسد:

ائمه را سیزده نفر برمی شمرد و زید بن علی بن حسین را نیز جزو آنان حساب می کرد. او به حدیثی در کتاب سلیم بن قیس استناد می کرد که می گوید: «امامان دوازده نفر از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند». (نجاشی، ۱۳۶۵ ش: ۴۴۰)

جالب توجه است که هبة الله کاتب، معاصر ابن غضائری نیز بوده و شاید هجمه شدید ابن غضائری به کتاب سلیم بی رابطه با استناد هبة الله به این کتاب نباشد. (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ ش: ج ۱، ۱۸۵)

اما این پاسخ که بگوییم عدم وجود این روایت در نسخه های کنونی کتاب سلیم، شاهد بطلان این کلام است، کافی نمی باشد زیرا همان طور که مرحوم شوشتری فرموده اند نسخه های کتاب سلیم به شدت با هم اختلاف دارند (شوشتری، ۱۴۱۰ ق: ج ۵، ۲۳۶) و این احتمال پابرجاست که این روایت در اصل کتاب سلیم وجود داشته است. به علاوه، مطالبی که فحوای آن وجود ۱۳ امام است را برای نمونه می توان در حدیث ۴۵ مشاهده نمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به اهل زمین نظر کرد و دو نفر را برگزید: من و علی... سپس نظر دیگری نمود و بعد از ما، دوازده وصی از اهل بیتم را برگزید. (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ ش، ج ۲، ۸۵۷)

اما پاسخ صحیح به این اشکال این است که:

اولاً: در موارد متعددی در این کتاب به تعداد ائمه اشاره شده و در همه موارد عدد آنان را ۱۲ نفر ذکر نموده است. (همو: ج ۱، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۲۱، ۲۵، ۳۷، ۴۲، ۴۵، ۴۹، ۶۱، ۶۷، ۷۷) ثانیاً: این کتاب همان طور که از مسعودی نقل شده (مسعودی: ۱۹۸)، از دیرباز مستند شیعیان دوازده امامی در اثبات ۱۲ نفر بودن ائمه بوده، و برای نمونه نعمانی در کتاب *الغیبة* به چندین روایت از این کتاب استناد نموده است. (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۶۸-۹۵، ج ۸-۱۱ و ۲۷) ثالثاً: اشتباه برخی از ناسخان کتاب می تواند سبب این اشتباه بوده باشد. رابعاً: شبیه این اشتباه در نقل روایت، در کتب معتبری چون کافی هم رخ داده است.^۱

۱. «فقال له امیرالمؤمنین علیه السلام إن لهذه الأمة اثني عشر إماما هدی من ذرية نبیها و هم مني» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: أبواب

خامساً: اگر چنین مطالبی در این کتاب بود، هیچ‌گاه این کتاب به این اندازه مورد اعتنای بزرگان شیعه هم چون کلینی، شیخ صدوق، شیخ طوسی و دیگران قرار نمی‌گرفت.

مهدویت بنی‌العباس در کتاب سلیم

یکی از موارد قابل توجه در کتاب سلیم هجمه شدید به بنی‌امیه و عدم اشاره به ظلم‌های بنی‌العباس است. علاوه بر این از مجموع روایات مطرح شده در این کتاب چنین به نظر می‌رسد که نویسنده این کتاب، مهدی موعود را از خاندان بنی‌العباس می‌پنداشته است. در این بخش، به بررسی موارد طرفداری کتاب سلیم از بنی‌العباس خواهیم پرداخت.

بزرگ جلوه دادن مقام عباس

در حدیث سوم، وقتی براء بن عازب نزد بنی‌هاشم رفت و از ماجرای سقیفه خبر داد، تنها کسی که عکس‌العمل نشان داد عباس بود که گفت:

دست مریزاد تا روز قیامت! به راستی که من آنچه باید می‌کردید را به شما گفتم، ولی شما گوش فرادادید! (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ ش: ج ۲، ۵۷۲)

در همین حدیث، از جایگاه ویژه عباس در نزد مردم و بنی‌هاشم و تأثیر بیعت او در راضی کردن آنان سخن رفته و چنین ادعا شده که همین امر سبب شد تا ابوبکر نزد بنی‌هاشم رفته و به عباس پیشنهاد دهد که در مقابل بیعت با ابوبکر خودش و فرزندانش در حکومت سهمی داشته باشند. (همو: ۵۷۴)

بنی‌امیه تنها مصداق «المشركين»

در حدیث چهل و یکم کتاب سلیم، رسول خدا ﷺ آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خُلِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ» (بینه: ۶) را درباره یهود و بنی‌امیه و شیعیان‌شان دانسته‌اند که روز قیامت سیه‌دل، گرسنه، تشنه و روسیاه محشور خواهند شد.

التاریخ، باب ما جاء في الاثني عشر والنص عليهم، ج ۱، ۵۳۲، ح ۸). «دخلت على فاطمة عليها السلام و بين يديها لوح فيه أسماء الأوصياء من ولدها فعددت اثني عشر آخرهم القائم عليه السلام ثلاثة منهم محمد و ثلاثة منهم علي» (همو: ۵۳۲، ح ۹) «الاتنا عشر الإمام من آل محمد عليه السلام كلهم محدث من ولد رسول الله صلى الله عليه وآله و ولد علي بن أبي طالب عليه السلام - فرسول الله صلى الله عليه وآله و علي عليه السلام هما الوالدان». (همو: ۵۳۳، ح ۱۴) «قال رسول الله صلى الله عليه وآله إني و اثني عشر من ولدي و أنت يا علي زر الأرض يعني أوتادها و جبالها بنا أوتد الله الأرض أن تسيخ بأهلها فإذا ذهب الاتنا عشر من ولدي ساخت الأرض بأهلها و لم ينظروا». (همو: ۵۳۴، ح ۱۷) هر چند در این روایت ممکن است حضرت زهرا عليها السلام نیز در شمار امامان شمرده شده باشد. «قال رسول الله صلى الله عليه وآله من ولدي اثنا عشر نقيبا نجباء محدثون مفهمون آخرهم القائم بالحق يملأها عدلا كما ملئت جورا». (همو: ۵۳۴، ح ۱۸) قابل توجه است که راوی احادیث ۹ و ۱۷ ابوالجارود زیدی مسلک است.

عدم ذکر بنی العباس و ظالمین پس از آنان، می‌تواند شاهدی بر گرایش عباسی نویسنده کتاب سلیم قلمداد شود.

هیچ یک از امامان جور از بنی العباس نیستند

در کتاب سلیم اشارات مکرری به دوازده نفر از حاکمان جور - در مقابل دوازده امام هدایت - شده است که عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، معاویه، یزید، مروان و شش نفر دیگر از نسل حکم بن ابی العاص. (همو: ۶۶۰، ۷۶۷، ۷۷۳، ۸۳۶ و ۹۲۲) بنابراین عجیب است که هیچ یک از حاکمان ظالم و فاسق بنی العباس جزو امامان جور قرار نگرفته‌اند!

این مطلب دو اشکال اساسی دارد:

۱. نامی از خلفای ظالم و جائز عباسی در زمره امامان گمراهی و ضلالت نیست!

۲. حاکمان بنی امیه چهارده نفر بوده‌اند، که با احتساب خلفای نخستین تعدادشان هفده نفر خواهند بود. حتی با کم کردن حاکمانی که کمتر از یک سال حکومت کرده‌اند - که البته دلیلی بر عدم احتسابشان نداریم - و نیز عمر بن عبدالعزیز - که برخی رفتار شایسته نیز داشته است - به عدد سیزده خواهیم رسید. (جوادی، ۱۳۸۴ ش: ۱۶۹)

در حدیث شصت و یکم نیز رسول خدا ﷺ به ابن عباس فرمود:

أغز هلاک بنی امیه به دست فرزندان توست، پس تقوای الهی پیشه کنید و فرزندان و عترت مرا ارج نهید (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ ش: ج ۲، ۹۰۸).

هیچ اشاره‌ای به ظلم‌های آنان به اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان نکرد؛ در حالی که در همین حدیث بارها از ظلم قریش و بنی امیه نسبت به بنی هاشم سخن گفته شده است.

البته در حدیث شصت و ششم (همو: ۹۱۶) ابن عباس از صحیفه‌ای که امیرالمؤمنین علیه‌السلام در ذی قاره او نشان داد می‌گوید و این که امیرالمؤمنین علیه‌السلام فقط رخدادهای پس از وفات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا شهادت امام حسین علیه‌السلام را برای ابن عباس بازگو نمود. امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم چنین از به حکومت رسیدن بنی العباس بعد از بنی امیه و رفتار ناشایست آنان و قتل و ظلم نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام یاد کرد اما از بیان جزئیات آن خودداری کرد تا ابن عباس اندوهگین نگردد. اما این حدیث در بخش دوم کتاب سلیم چاپ شده است که نشانگر آن است که این حدیث فقط در یکی از انواع نسخ‌های این کتاب وجود دارد و نمی‌توان وجود این روایت را در کتاب سلیم قطعی دانست.

این احتمال که این احادیث در مقام بیان همه امامان جور نیست و فقط خلفای بنی امیه که



رسول خدا ﷺ در رؤیا آنان را بر منبر خویش دیدند (همو: ۹۲۲) را بیان نموده است نیز شاهدی ندارد؛ بنابراین تنها دو احتمال دیگر قابل بررسی است:

احتمال اول این است که نگارش کتاب سلیم - یا قسمت هایی از آن - در زمانی صورت گرفته که هنوز حکومت بنی امیه بر سر کار بوده و نویسنده‌ی این روایات، امید داشته با آمدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه له (رجل من بیت علی عجل الله تعالی فرجه له) بنی امیه قلع و قمع شوند. (همو: ۷۱۵) بنابراین او اصلاً از به قدرت رسیدن سلسله بنی العباس خبر نداشته تا آنان را نیز جزو امامان ضلالت برشمارد. اما این احتمال با این پیش بینی در کتاب سلیم که پرچم های سیاه عجم های خراسان دولت بنی امیه را واژگون خواهد ساخت (همو: ۷۴۴) ناسازگار به نظر می رسد، مگر این که این قسمت را از اضافات بعدی به اصل کتاب سلیم بدانیم. در حدیث شصت و یکم (همو: ۹۰۸) نیز چنان که پیش تر اشاره شد، رسول خدا ﷺ هلاک بنی امیه را به دست بنی العباس دانسته اند که البته این حدیث فقط در برخی از نسخه های کتاب سلیم وجود دارد.

احتمال دیگر این است که تفسیر نویسنده از «رجل من بیت علی عجل الله تعالی فرجه له» اولین خلیفه عباسی باشد که با امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه له نسبت خویشاوندی داشته است. مطابق این نظریه که البته کمی دور از ذهن به نظر می رسد - اتهام نویسنده کتاب سلیم به طرفداری از بنی العباس پررنگ تر خواهد شد، چراکه در صدد منتسب ساختن آنان به امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه له نیز بوده است. البته این مسئله باید بررسی شود که آیا دفاع از بنی العباس با بدگویی شدیدی که کتاب سلیم نسبت به سه خلیفه اول دارد، سازگار است یا نه؟

ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه له و نابود ساختن بنی امیه

در حدیث هفدهم کتاب سلیم، امیرالمؤمنین عجل الله تعالی فرجه له - در خطبه پس از نهروان - پس از پیش گویی فتنه بنی امیه فرمودند:

سپس خداوند به واسطه مردی از اهل بیت من، بلا را برطرف می نماید... او هشت ماه شمشیر بر دوش می نهد تا این که قریش آن چنان به ستوه می آیند که آرزو می کنند دنیا را بدهند تا این که مرا ملاقات نموده و حق مرا باز پس دهند... می گویند: «این مرد از قریش و از فرزندان فاطمه نیست، وگرنه به ما قریشیان رحم می نمود!» . خداوند او را بر بنی امیه می شوراند و آنان را زیر پایش له می کند، ملعون هایی که هر جا دیده شوند دستگیر شده و به شدت به قتل خواهند رسید... (همو: ۷۱۵).

چنین به نظر می رسد که این عبارات در زمانی ساخته شده که هنوز حکومت بنی امیه بر سر کار بوده و نویسنده آن امید داشته با آمدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه له بنی امیه قلع و قمع شده و حکومت

اهل بیت علیهم السلام آغاز گردد. اما می دانیم که بنی العباس سبب نابودی بنی امیه گردیدند و پس از آنان نیز حکومت های بسیاری تا به امروز وجود داشته است.

با این حال، جالب توجه است که منابع دیگری نیز که با سندی متفاوت این خطبه را ذکر نموده اند، همین اشتباه را نیز مرتکب شده اند! (ثقفی، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۶؛ نعمان بن محمد، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۳۹) بنابراین این احتمال تقویت می شود که همه این کتاب ها این خطبه را از منبع یکسانی اخذ نموده اند.

اعتبارسنجی کتاب سلیم و گزاره های مهدوی آن

قدمت کتاب سلیم و روایات وی از منابع دست اول، به علاوه ی گزارش هایی از تأیید کتاب توسط برخی از امامان معصوم علیهم السلام و نیز اعتبار کامل آن در نزد بسیاری از عالمان شیعه، سبب اهمیت فوق العاده این کتاب بوده است. اما از دیرباز گروهی از عالمان شیعه - هم چون ابن غضائری، شیخ مفید، شهید ثانی، محقق شوشتری و علامه شعرانی - نظراتی انتقادی نسبت به سند و محتوای این کتاب داشته اند؛ برخی آن را سراسر جعلی دانسته و برخی در قبول متفردات آن توقف نموده اند.

در این بخش شواهد ارائه شده برای اثبات اعتبار و یا عدم اعتبار این کتاب به اختصار بیان شده و در پایان جمع بندی نهایی درباره گزاره های مهدوی این کتاب ارائه خواهد شد.

شواهد ارائه شده برای اثبات اعتبار کتاب سلیم

شواهد متعددی برای اثبات اعتبار کتاب سلیم اقامه شده است که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱. قدمت کتاب و نویسنده: کتاب سلیم قدیمی ترین کتاب نگاشته شده در تاریخ اسلام است که امروزه به جا مانده است و حتی محققینی که در صحت انتساب این کتاب به سلیم تردید نموده اند، آن را نوشته ابان یا فرد دیگری می دانند که در اواخر حکومت بنی امیه زندگی می کرده است. (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳ش: ۱۱۹-۱۲۴) بنابراین می توان گفت قدمت این کتاب مورد قبول همگان است.

۲. روایت دقیق جزئیات وقایع مهم صدر اسلام: حوادثی مانند سقیفه و حوادث پس از آن، شورای عمر و غیره در کتاب سلیم به طور دقیق و با جزئیات زیادی نقل شده است که خود سبب اهمیت یافتن این کتاب بوده است. وجود متفردات در کتاب سلیم گرچه از یک زاویه نقطه ضعفی برای کتاب سلیم برشمرده می شود اما از زاویه دیگر نقطه قوتی برای آن است



چراکه اطلاعاتی را در اختیار محققین قرار داده که در منابع دیگر وجود ندارد. (سلطانی، ۱۳۹۷ش: ۱۵۳-۲۰۵)

۳. قوت متن کتاب و عدم تصوّر انگیزه برای جعل کتاب: کتابی که امروزه به نام کتاب سلیم در دسترس ماست هر چند از اشتباهات و کاستی‌هایی خالی نیست اما مشتمل بر مطالبی است که عمدتاً جزو اعتقادات مسلم شیعیان بوده و از دیرباز در منابع مختلف حدیثی نقل شده است؛ بنابراین احتمال جعل کتاب با مشکلی جدی مواجه است، چراکه جعل کننده یک کتاب باید انگیزه کافی برای این کار داشته باشد. (شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۳۹)

۴. وثاقت منابع کتاب: بهره‌مندی سلیم بن قیس از منابع موثق در نقل گزارش‌های تاریخی یکی از برجسته‌ترین نقاط قوت این کتاب است. این منابع عبارتند از:
 - صحابه بزرگی چون سلمان و ابوذر و مقداد.

- برخی از اهل بیت: مانند امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام.

- مشاهدات شخصی سلیم. (سلطانی، ۱۳۹۷ش، ۱۱۳)

۵. نحوه دقیق انتقال کتاب از نویسنده به طبقات بعدی روات: بنا بر گزارش مقدمه کتاب، سلیم کتاب خود را به طور کامل و پس از قرائت کل آن بر ابان در اختیار او قرار داد؛ ابان نیز به همین نحو به عمر بن اذینه و او نیز آن را به طبقه بعدی راویان سپرد. (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ش: ج ۲، ۵۵۷) این نحوه دقیق انتقال کتاب به نسل‌های بعدی از نقاط قوت کتاب است.

۶. عرضه کتاب سلیم بر معصومین علیهم‌السلام و تأیید آن. گفته می‌شود برخی از امامان معصوم: کتاب سلیم را تأیید نموده‌اند که عبارتند از: امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام. (همو: ۵۹۹)

۷. اعتماد ثقة الإسلام کلینی بر کتاب سلیم: نقل روایاتی از کتاب سلیم در کتاب کافی با توجه به این که ثقة الإسلام کلینی در این کتاب خود را مقید به نقل احادیث صحیح نموده (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۸-۹)، شاهد خوبی بر صحت این روایات از نظر اوست.

۸. اعتماد محمد بن حسن بن ولید بر کتاب سلیم: یکی از شواهد ارائه شده برای صحت کتاب سلیم، وجود محمد بن حسن بن ولید در طریق شیخ طوسی و نجاشی به کتاب سلیم است. ابن ولید از اساتید شیخ صدوق و در امر حدیث بسیار حسّاس و باریک بین است. او در موارد متعددی کل یک کتاب (مانند *بصائر الدرجات*) و یا بخشی از مروّیات یک راوی را از میان روایات قابل پذیرش او استثناء نموده است. با این حال هنگام نقل کتاب سلیم، هیچ اشکالی

از سوی او به برخی افراد طریق (مانند ابان) و یا روایات کتاب سلیم گزارش نشده است. بی گمان نمی توان از کنار این پدیده به سادگی و با شتاب گذر کرد و از آن جز درستی انتساب این کتاب به سلیم بن قیس و پیراستگی آن از آموزه های غیرقابل پذیرش در نگاه ابن ولید، برداشت دیگری داشت. (حسینی شیرازی، ۱۳۹۷ش: ۱۹۷-۲۰۰ و ۲۰۹-۲۱۲)

نقد و بررسی

در این میان، شاهد ۱ و ۲ فقط اهمیت کتاب سلیم را اثبات می کند و نه لزوماً صحت آن را. شاهد سوم یعنی قوت متن کتاب و هماهنگی آن با آموزه های شیعی را نیز نمی توان دلیلی قطعی بر عدم جعل کتاب دانست، چراکه چه بسا جعل کننده، نیت خیری باشد و این طور نیست که جاعل چنین کتابی لزوماً به دنبال تخریب فکری جامعه شیعیان باشد. افزون بر این، اشتباهات زیاد این کتاب بزرگترین شاهد بر عدم صحت نسخه کنونی آن است. شاهد ۴، ۵ و ۶ (وثاقت منابع، انتقال دقیق کتاب و عرضه بر معصومین علیهم السلام) نیز عمدتاً برگرفته از مطالب مقدمه و متن کتاب است و استناد به آن ها مستلزم دور خواهد بود. اما در رابطه با دو شاهد اخیر نیز باید گفت که حداکثر اثبات کننده صحت کتاب سلیم -و در بیشتر موارد، برخی از مطالب کتاب- در نظر این عالمان است. آیا هر روایتی که مثلاً ثقة الإسلام کلینی صحیح دانسته و در کتاب کافی نقل نموده، در واقع نیز صحیح است؟! برای نمونه آیا روایت کم شدن دو سوم از قرآن (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۶۳۴، ح ۲۸)، با عقیده قریب به اتفاق شیعیان، آموزه های قرآنی و روایی، حقایق تاریخی، و خاتمیّت و جاودانگی دین اسلام سازگار است؟! به علاوه، چنان که در بخش بعد خواهد آمد، عالمان دیگری -چون ابن غضائری، شیخ مفید، علامه حلی و علامه شعرانی کل کتاب یا برخی از مطالب آن را ساختگی دانسته اند. و اما همان طور که در ادامه خواهد آمد، دو اشکال کلی بر همه شواهد ذکر شده نیز وجود دارد: ۱. وجود مطالب نادرست و غیرقابل قبول در کتاب سلیم؛ ۲. عدم امکان اثبات تطابق نسخه های کنونی کتاب سلیم با نسخه تأیید شده توسط عالمان متقدم.

شواهد ارائه شده برای اثبات عدم اعتبار کتاب سلیم

علیرغم استقبال گسترده عالمان شیعه به کتاب سلیم، از دیرباز گروهی از ایشان نظراتی انتقادی به این کتاب داشته و در صحت برخی مطالب و یا کل آن تشکیک نموده اند. در مجموع، اشکالات مطرح شده درباره این کتاب را می توان در موارد زیر خلاصه نمود: اشکال اول: تشکیک در وجود سلیم و ادعای جعلی بودن کتاب: تقریباً همه اطلاعات

موجود درباره سلیم و کتاب او، از مطالب مطرح شده در همین کتاب، در اختیار ما قرار گرفته، و این امر از دیرباز سبب بروز اشکالاتی چون عدم وجود شخصیتی به نام «سلیم بن قیس هلالی» و جعلی بودن کتاب او بوده است. (ابن غضائری، ۱۳۶۴ش: ۶۳؛ حلی، ۱۴۱۱ق: ۸۳)

اشکال دوم: منحصر بودن طریق کتاب به ابان و عمر بن اذینه: یکی دیگر از اشکالات کتاب سلیم این است که چرا سلیم بن قیس کتاب چنین با اهمیتی را تا آخر عمر پنهان داشت و فقط دیدن رؤیا شد تا آن را در اختیار فرد دیگری قرار دهد؟! همچنین چرا ابان بن ابی عیاش نیز که ادعا می‌کند مطالب این کتاب را حضرات معصومین علیهم‌السلام و بزرگان صحابه تأیید نموده‌اند، این کتاب را تا آخر عمر نزد خود نگه داشته و او نیز بواسطه دیدن رؤیا آن را در اختیار تنها یک نفر دیگر گذاشت؟! (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ش: ج ۲، ۵۵۷-۵۶۴)

اشکال سوم: وجود اشتباهات و متفردات در کتاب سلیم: یکی از مهم‌ترین اشکالات به کتاب سلیم، وجود اشتباهات و متفردات زیاد در این کتاب است. نویسنده این نوشتار در تحقیقی دیگر، ۲۷ اشتباه و ۳۱ مورد از متفردات این کتاب را برشمرده است. (سلطانی، ۱۳۹۷ش: ۱۵۳-۲۰۵)

اشکال چهارم: اقتباسات کتاب سلیم از سایر منابع. برخی از گزارشات کتاب سلیم تشابه مشکوکی با روایات نقل شده در سایر منابع حدیثی دارد. اگر این تشابه در متن کلمات معصومین علیهم‌السلام و غیر آنان بود اشکالی ایجاد نمی‌کرد چرا که نقل مشابه یک کلام توسط دو راوی طبیعی است؛ اما تشابه زیاد الفاظ و جملات به کار رفته توسط دو راوی در توضیح یک ماجرا، امری غیرطبیعی است که شبهه جعل سند برای یک روایت را در پی دارد. (همو: ۲۰۶-۲۱۹)

اشکال پنجم: اختلاف نسخه‌های موجود کتاب سلیم با یکدیگر و نیز با نسخه متقدمین: نه تنها نسخه‌های موجود از کتاب سلیم اختلافات زیادی با هم دارند بلکه این نسخه‌ها با نسخه‌ای که متقدمین بدان دسترسی داشته‌اند نیز متفاوت است؛ (مفید، ۱۴۳۱ق: ج ۵، ۱۴۹؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۳۹) وجود روایاتی در کتب ثقة الإسلام کلینی، شیخ صدوق و دیگران که در هیچ یک از نسخه‌های کنونی کتاب موجود نیست (سلیم بن قیس، ۱۳۸۱ش: ج ۲، ۹۳۲-۹۶۷، ح ۷۱-۹۸)، شاهی برای ادعاست.

اشکال ششم: عدم اهتمام تامّ مشایخ به کتاب سلیم: گرچه برخی احادیث کتاب سلیم، در کتب اربعه نقل شده، اما با توجه به اعتبار فوق‌العاده‌ای که مقدمه این کتاب برای آن ذکر نموده - که به طور طبیعی آن پس از قرآن کریم در بالاترین درجات صحت قرار می‌دهد - انتظار می‌رفت مشایخ قدماى شیعه اهتمام فوق‌العاده بیشتری به بهره بردن از مطالب این کتاب

داشته و به نقل کامل و یا حداکثری آن در مؤلفاتشان پردازند؛ چنان که علامه مجلسی در *بحارالأنوار* چنین کرده است. اما در کمال تعجب می بینیم که مثلاً مرحوم کلینی در کتاب *کافی* فقط ۱۳ حدیث از کتاب *سلیم* آورده است که البته برخی از آن‌ها در نسخه کنونی کتاب موجود نیست. بنابراین به نظر می‌رسد آن اعتباری که برای کتاب *سلیم* تصویر شده برای *ثقة الإسلام* کلینی محرز نبوده بود.

بررسی اعتبار گزاره‌های مهدوی کتاب *سلیم*

از مجموع مطالب مطرح شده در این فصل باید چنین نتیجه گرفت که نه می‌توان همه مطالب کتاب *سلیم* را بی‌چون و چرا پذیرفت و نه می‌توان همه گزارشات آن را یکسره نادیده انگاشت. نادر بودن برخی از گزارشات آن نیز چه بسا ریشه در این واقعیت تلخ داشته باشد که تاریخ‌نگاری شیعیان در مقایسه با غلبه تاریخ‌نگاری اهل سنت، به ویژه در سده‌های نخستین، در حاشیه بوده است. اما به هر حال، این متفردات باید با احتیاط بیشتری مورد بررسی قرار بگیرند. علاوه بر این، احتمال راه‌یابی گزارشات اشتباه در این کتاب نیز منتفی نیست. به نظر می‌رسد گزاره‌های مهدوی کتاب *سلیم* نیز در حیطة همین مواردند و بیش از آن که مبتنی بر روایات صحیح باشد، از وضعیت زمانه نویسنده یا نویسندگان این گزارشات متأثر بوده است.

نتیجه‌گیری

کتاب *سلیم بن قیس هلالی* که قدیمی‌ترین میراث مکتوب به جا مانده در جهان اسلام است، اشارات متعددی به بحث مهدویت دارد. از دیرباز مسئله سیزده‌گانه بودن امامان شیعه از چالش‌هایی بوده که توجه منتقدان این کتاب را به خود جلب نموده است، اما چنان که نشان داده شد، نه تنها این اشکال وارد نیست، بلکه در این کتاب بارها از دوازده امام سخن گفته شده و این کتاب همواره مستند شیعیان برای اثبات دوازده امام بوده است.

اما مصداق‌یابی «مهدی موعود (عج)» در کتاب *سلیم* با چالشی جدی مواجه است، زیرا تناقضات چندی در روایات مهدوی کتاب *سلیم* وجود دارد. در کتاب *سلیم*، تنها بنی‌امیه چهره‌ای منفی دارند و مصداق «کافرین» هستند و هیچ یک از دوازده حاکم ضلالتی که در این کتاب معرفی شده، از بنی‌العباس نیستند! بنابراین روایات این کتاب، مهدی موعود (عج) حکومت را از بنی‌امیه خواهد گرفت و آن را به صاحبان اصلی‌اش باز خواهد گرداند. در مجموع به نظر می‌رسد نویسنده این کتاب - یا بخش‌هایی از آن - به احتمال زیاد، در دوره پایانی حکومت بنی‌امیه زندگی می‌کرده و در نتیجه امامان جور را فقط در میان آنان - و سه خلیفه نخستین -



جست و جو نموده و انتظار برچیده شدن این حکومت توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را داشته است. شواهد مطرح شده برای اثبات صحت و انتساب همه مطالب این کتاب به سلیم بن قیس هلالی دلالت کافی ندارد و از سوی دیگر شواهد دیگری وجود دارد که در طول زمان، گزاره‌های ناصوبی به این کتاب راه یافته‌اند.

منابع

قرآن کریم

- ابطحی، سید محمدعلی، *تهذیب المقال*، قم، نشر ابن المؤلف السید محمد، دوم، ۱۴۱۷ق.
- ابن الغضائری، احمد بن حسین الواسطی البغدادی، *الرجال*، تحقیق محمدرضا حسینی، قم، دارالحديث، ۱۳۶۴ش.
- ابن الندیم، أبوالفرج محمد بن إسحاق بن محمد الوراق البغدادی المعتزلی، *الفهرست*، تحقیق إبراهیم رمضان، بیروت، دارالمعرفة، دوم، ۱۴۱۷ق.
- اربلی، علی بن عیسی، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تبریز، نشر بنی هاشمی، اول، ۱۳۸۱ق.
- امین، سید محسن، *أعیان الشیعة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، *الغارات*، تحقیق جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، اول، ۱۳۹۵ق.
- جوادی، قاسم، *کتاب سلیم بن قیس هلالی*، علوم حدیث، شماره ۳۵ و ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴ش.
- حسینی شیرازی، سیدعلیرضا، *اعتبارسنجی احادیث شیعه*، تهران، انتشارات سمت، پژوهشکده رهجویان راه امام هادی علیه السلام، ۱۳۹۷ش.
- حلّی، حسن بن یوسف، *رجال العلامة الحلّی*، نجف اشرف، دارالذخائر، دوم، ۱۴۱۱ق.
- خوبی، سیدابوالقاسم موسوی، *موسوعة الإمام الخوئی*، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق.
- _____، *معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرجال*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم ابن قتیبة، *الإمامة والسیاسة (تاریخ الخلفاء)*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، اول، ۱۴۱۰ق.
- سلطانی، سید محمد، *کتاب سلیم بن قیس* (بازخوانی کهن‌ترین میراث مکتوب شیعه)،

- انتشارات برگ فردوس، ۱۳۹۷ش.
- شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، دوم، ۱۴۱۰ق.
- صفایی خوانساری، سیداحمد، كشف الأستار عن وجه الكتب والأسفار، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹ق.
- طبری أبوجعفر، محمدبن جریربن یزیدبن کثیربن غالب الأملی، تاریخ الطبری (تاریخ الرسل والملوک، وصلة تاریخ الطبری، وصلة تاریخ الطبری لعرب بن سعد القرطبی، بیروت، دارالتراث، دوم، ۱۳۸۷ق.
- طوسی، محمدبن حسن، النغية للحجة، قم، دارالمعارف الإسلامية، اول، ۱۴۱۱ق.
- _____، فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، قم، نشر ستاره، ۱۴۲۰ق.
- کشی، محمدبن عمر، رجال الكشي (اختيار معرفة الرجال)، تحقیق محمدبن حسن طوسی / حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، اول، ۱۴۰۹ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الكافي، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الكافي؛ الأصول والروضة، تحقیق ابوالحسن شعرانی، تهران، المكتبة الإسلامية، اول، ۱۳۸۲ق.
- مامقانی، عبدالله، تنقيح المقال في علم الرجال (چاپ سنگی)، نجف اشرف، مطبعة المرتضوية، ۱۳۵۲ق.
- _____، تنقيح المقال في علم الرجال، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لاهیات التراث، اول، ۱۴۲۶ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربي، دوم، ۱۴۰۳ق.
- مدرسی طباطبایی، سیدحسین، مکتب در فرایند تکامل، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۹۴ش.
- _____، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه سیدعلی قرائی و رسول جعفریان، قم، اعتماد، ۱۳۸۳ش.
- مسعودی، أبوالحسن علی بن الحسين بن علی، التنبيه والإشراف، تصحيح عبدالله إسماعيل الصاوي، القاهرة، دارالصاوي، بی تا.

- مفيد، محمد بن محمد، موسوعة الشيخ المفيد، قم، دارالمفيد، ۱۴۳۱ق.
- نجاشى، احمد بن على، رجال النجاشى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى التابعه لجامعة المدرسين، ششم، ۱۳۶۵ش.
- نعمان بن محمد ابن حيون، قاضى نعمان، شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، تحقيق محمد حسين حسيني جلالى، قم، جامعه مدرسين، اول، ۱۴۰۹ق.
- نعمانى، محمد بن ابراهيم ابن أبى زينب، الغيبة، تحقيق على اكبر غفارى، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
- نورى، ميرزا حسين، خاتمة المستدرک، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول، ۱۴۱۷ق.
- هلالى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالى، تحقيق محمد باقر زنجانى خوئینى، قم، دليل _____ م _____ ا _____ س _____، م، ۱۳۸۱ش.

